دوماهنامهٔ فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۷، شمـارهٔ ۲۹، آذر و دی ۱۳۹۸

اَردەخوانی و کاربردهای آن در آیین سوگواری سیستان

فاطمه الهامی*[۱] راضیه میرشکار[۲]

(دریافت: ۷/ ۲/ ۱۳۹۸ پذیرش: ۱۸/ ۹/ ۱۳۹۸)

چکیده

آیین سوگ رسم رایجی است که به قدمت وجود بشر در میان هر قومی ریشه دارد و با آداب و رسوم و شعر و ترانه‌های خاص عجین شده است. مردم سیستان عمدتاً با تأسی از فرهنگ روستایی از شعر و ترانه برای حفظ و احیای آیین‌های سوگواری بهرهٔ وافی برده‌اند. اردَه‌خوانی، روُوایی‌خوانی یا رباعی‌خوانی سوگ‌سروده‌ای است با آهنگی بسیار سوزناک و حُزن‌انگیز که به صورت آوازه‌خوانی در مراسم عزاداری در سیستان اجرا می‌شود. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و مصاحبهٔ حضوری با گویشوران متعدد به بررسی اردەخوانی و کاربردهای آن در آیین سوگ سیستان پرداخته است و با معرفی اردەخوانی و رووایی‌خوانی، وجه‌تسمیهٔ آن، تاریخچه، مجریان، شیوهٔ اجرا، زمان و مکان اجرا نشان می‌دهد که مردم سیستان بسیار پایبند به اجرای آیین سوگواری با گویش بومی خود هستند و این مسئله در فرهنگ آنان جایگاه والایی دارد. مقایسهٔ آن با گونه‌های دیگر در مناطق مختلف ایران، نقش محوری ترانه و ترنم را در اساسی‌ترین مسائل زندگی اقوام کهن ایرانی نشان می‌دهد. همچنین، این مقاله با ذکر نمونه‌هایی از رباعی‌های سیستانی وزن، قافیه و ردیف، قالب، زبان، محتوا و ویژگی‌های ادبی آن را بررسی کرده است. استفاده از آهنگ و ترانه برای التیام دادن به لحظه‌های سرشار از غم و اندوه در بین مردم سیستان گویای ذوق سلیم و طبع لطیف این قوم در حاشیهٔ کویر است.

واژه‌های کلیدی: اردەخوانی، رباعی‌خوانی، فرهنگ عامه، سوگ‌سروده، سیستان.

---

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار (نویسندهٔ مسئول)
*elhami@cmu.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

۱. مقدمه

بومی‌سروده‌ها و نمایش‌های محلی در انجام وظایف روزانه یا در مراسم شادی و غم، همواره نقش پررنگ و برجسته‌ای در فرهنگ شفاهی مردم ایران دارد و به جرئت می‌توان گفت که گوشه‌ای از فرهنگ غنی ایران‌زمین است که با احساسات لطیف مردمانش، قرن‌ها سینه به سینه نقل شده و از گذشتگان به یادگار باقی مانده است. البته، بسیاری از این اشعار، نمایش‌ها و آداب و رسوم، از یادها رفته و اثری از آن‌ها باقی نمانده است؛ ولی بسیاری دیگر هنوز در سینه‌ها محفوظ و نقل محافل است که باید به‌طور علمی روی آن‌ها بررسی و تحقیق شود؛ هرچند باید به این مسئله توجه داشت که کار روی این گونه آثار هنری و ادبی کار بسیار دشواری است. یکی از چهره‌های معروف موسیقی محلی اروپا می‌گوید: «کار با ترانه‌های محلی یکی از مشکل‌ترین تکالیف است

. می‌توانم ادعا کنم که حداقل به سختیِ خلق یک اثر بزرگ موسیقی[است]» (بارتوک، ۱۳۷۷: ۶۲). این ترانه‌ها با آهنگ‌های شورانگیز و اصیل آن‌چنان دلنشین است که ضبط و جمع‌آوری آن‌ها خدمت بزرگی به موسیقی ملی ایران می‌کند. چنانکه شومان توصیه می‌کند: «...با دقت به ترانه‌های ملی گوش فرا دار. آن‌ها سرچشمهٔ بی‌پایان قشنگ‌ترین ملودی‌ها هستند و چشم‌های تو را به صفات مشخصهٔ ملی گوناگون باز می‌کنند[1]» (هدایت، ۱۳۳۴: ۳۴۴).

۲. بیان مسئله و پرسش تحقیق

سرزمین سیستان دارای فرهنگی غنی و تمدنی کهن است. فرهنگ و تمدنی که متشکل از آداب و رسوم و آیین‌های بومیِ مختلفی است که حکایت از قدمت این خطه دارد. مردم منطقهٔ سیستان عمدتاً با تأسیِ از فرهنگ روستایی از ترانه و دوبیتی برای حفظ و احیای آیین‌های زندگی مخصوصاً سوگواری بهرهٔ وافی برده‌اند. این ترانه‌ها بی‌آنکه به‌صورت مکتوب در آید، سینه به سینه و نسل به نسل منتقل و دهان‌به‌دهان گردیده - است. بی‌تردید این مردم خوش‌ذوق چه در دشت‌ها و گندم‌زارها و دهکده‌ها و چه در شهر، شعر و ترانهٔ شهری را هنوز جانشین نغمه‌های اصیل و بی‌پیرایهٔ خود نکرده‌اند و

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

به سنت‌های قدیمی، در برپایی آیین‌های سوگواری با شعر و ترانه‌های سنتی و محلی پایبند هستند. شعر و ترانه همراه همیشگی این مردم آفتاب‌سوختهٔ در حاشیهٔ کویر است. گاه حین انجام کار، گاه در ابراز احساسات در مراسم شادی و غم، گاه در عشق و دلدادگی. پیرزنی که دوک می‌ریسد؛ دهقانی که زراعت می‌کند؛ چوپانی که در دل دشت، شب‌های پرستاره و خیال‌انگیز و روزهای سرشار از درخشش آفتاب را می‌گذراند؛ مادری که کودک خود را می‌خواباند و دختران ناکام و پسران عاشق‌پیشه، همه و همه در سیستان ترانه‌های روستایی را زیر لب زمزمه می‌کنند و با جادوی این ترانه‌ها زنگار غم و اندوه و دلتنگی را از خاطر می‌زدایند. گویی «سرشت و سرنوشت مردمان کویر با ترانه و ترنم عجین شده است. بیابان‌های وسیع و دشت‌های گستردهٔ حاشیهٔ کویر، ذهن خیال‌پرداز ساکنان این جهنم خاموش را به گنجینهٔ شعر و ترانه بدل ساخته است» (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۶). بدین سو ردپای زندگی، عشق، افکار، اعتقادات، کار و... در شعر و ترانهٔ روستایی جاری و ساری است.

با توجه به قدمت فرهنگی سیستان و گذشتهٔ باشکوه مردمانش و غنای کامل آداب و رسوم این مردم، این پژوهش در نظر دارد با بررسی و تحلیل اردەخوانی، بومی‌سروده‌های مربوط به مراسم سوگواری این منطقه، نهفته‌های موجود در سینهٔ این قوم را به زبان قلم درآورد تا عادات و اندیشه‌های غنی این خطه از مردم سرزمین‌مان، برای همگان قابل درک باشد. لذا، به‌دنبال پاسخی برای پرسش‌هایی که در ادامه آورده می‌شود، هستیم:

۱. اردەخوانی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟
۲. اردەخوانی چه جایگاهی در میان مردم سیستان دارد؟
۳. اردەخوانی چه مشابهتی با گونه‌های مشترک آن در بین دیگر اقوام دارد؟

۳. ضرورت تحقیق و هدف

سوگ‌سروده‌ها برگرفته از اندیشه‌های زنده و گویای مردمی است که احساسات خود را در لحظات سخت جدایی و اندوه از مرگ عزیزانشان صادقانه بیان کرده‌اند. این قسم از ادبیات شفاهی در اعتقادات، سنت‌ها و آداب و رسوم هر قوم و قبیله‌ای ریشه دارد و

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

سبب ماندگاری زبان و فرهنگ آن‌هاست. با تحقیق در فرهنگ مردم سیستان آشکار است که آیین سوگ در میان آنان بسیار بااهمیت بوده است؛ به‌طوری که این آیین طی مراسم خاصی با غم‌سروده‌های مخصوص به خود اجرا می‌شده است؛ اما امروزه وضعیت اقلیمی منطقه، مهاجرت‌های اجباری و زندگی ماشینی سبب شده است بسیاری از این سنت‌های قدیمی، آداب و آیین‌ها رو به فراموشی و فنا سپرده شوند. جوانان این مرز و بوم پهناور رفته رفته از گذشتهٔ خود فاصله گرفته‌اند و فرهنگ غنی خود را به‌دست فراموشی سپرده‌اند. بدین سو تلاش برای ماندگار کردن این بخش از فرهنگ بومی اهمیت فراوانی دارد، به‌خصوص اینکه گویشوران و سخن‌گویان این لهجه‌های شیرین بسیار کم و بیشتر دور از دسترس هستند و روز به روز از تعدادشان کاسته می‌شود. پرداختن به چنین موضوعاتی و ثبت این سوگ‌سروده‌ها، آیندگان را با آیین سرزمین مادری‌شان در برگزاری مراسم عزا آشنا می‌کند.

۴. روش تحقیق

روش گردآوری داده‌های این پژوهش بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبهٔ حضوری و ارتباط با گویشوران متعدد است که در زمستان ۱۳۹۷جمع‌بندی و تنظیم شده است.

۵. پیشینهٔ تحقیق

با توجه به اهمیت آیین سوگ در میان اقوام مختلف، پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است که منابع مکتوب که در ادامه آمده است، مهم‌ترین آن‌هاست:

ـ مقالات: «آیین سوگ و سرور در منطقهٔ سرکویر دامغان» (۱۳۹۴) از سید حسین طباطبایی و همکاران، نشریهٔ *فرهنگ و ادبیات عامه*؛ «آیین‌های مرگ و مویه در لرستان» (۱۳۹۰) از رحمان باقری، نشریهٔ *فرهنگ مردم ایران*؛ «بررسی آداب و رسوم سوگواری در *شاهنامهٔ* فردوسی و مقایسهٔ آن با آداب مذکور در بین اقوام لر بختیاری و لر کوچک» (۱۳۹۵) از محمد تقی فاضلی و همکاران، نشریهٔ علوم اجتماعی؛ و «گونه‌شناسی بومی‌سروده‌های ایران» (۱۳۸۸) از حسن ذوالفقاری و لیلا احمدی کمرپشتی، نشریهٔ *ادب‌پژوهی*. تمامی این مقاله‌ها به اهمیت آیین‌های بومی در مناطق مختلف کشور

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

به‌خصوص آیین عزاداری اشاره دارند و به معرفی آن در مناطق مختلف کشور می‌پردازند.

در زمینهٔ آیین‌های سنتی سیستان تا به حال مقالات و کتاب‌های زیر منتشر شده است:

کتاب: *سیتک‌های سیستان* (۱۳۹۵) از فاطمه الهامی که به اشعار و دوبیتی‌های بومی سیستان پرداخته است؛ *کندو (فرهنگ مردم سیستان)* (۱۳۷۰) از غلامعلی رئیس‌الذاکرین که در آن به بازی‌ها، متل‌ها، سنت‌ها، رباعی‌ها و هنرهای نمایشی سیستان اشارهٔ مختصر شده است.

مقالهٔ «جایگاه و تحلیل سیتک‌ها در ترانه‌های سیستان» (۱۳۹۴) از فاطمه الهامی، نشریهٔ *فرهنگ و ادبیات عامه* نیز به تحلیل موضوعی دوبیتی‌ها پرداخته است؛ اما تاکنون کار تحلیلی در مورد اردهخوانی و سوگسروده‌های سرزمین سیستان انجام نشده است.

۶. سیستان و آیین سوگ

۶ – ۱. معرفی منطقهٔ سیستان

سرزمین پهناور سیستان در جنوب شرقی ایران واقع شده است، قریب به ۷۵۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. از طرف شمال محدود است به قسمتی از خاک افغانستان و قاینات، از طرف مشرق به افغانستان، از مغرب به کویر گرم لوت و کرمان و از جنوب به بلوچستان و قسمتی از خاک افغانستان (بهرامی، ۱۳۱۷: ۲/ ۵۰۵). این منطقه دارای آب و هوای گرم و خشک است. تابستان‌های گرم و سوزان و بی‌باران به همراه طوفان‌های ۱۲۰ روزه و زمستان‌های سرد و کم‌باران از ویژگی‌های اصلی اقلیم این منطقه را تشکیل می‌دهد. از نظر گویش‌شناسی، این منطقه که به «ملک نیمروز» شهرت دارد (ر. ک: افشار، ۱۳۶۹: ۸۹۴ – ۸۹۵). به‌دلیل دور بودن از جوامع بزرگ شهری، بخش‌های زیادی از واژگان اصیل و کهن خود را با وجود گذشتن چندین قرن زنده نگه داشته و در محاورات روزمرهٔ خود به‌کار گرفته است. به گفتهٔ استاد صفا گویش سیستانی یکی از اصیل‌ترین لهجه‌های زبان پارسی است و دلیل آن قرابت معنایی سیستان و به‌خصوص زابل با مراکز اولیهٔ زبان فارسی، یعنی خوارزم، هرات، بخارا و.... است که خاستگاه زبان پارسی است. بسیاری از لغات این لهجه را می‌توان در کتاب

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

تاریخ سیستان که به تعبیری شاید قدیم‌ترین نثر فارسی باشد، به‌دست آورد. این لهجه به‌طور کلی به زبان فارسی میانه شبیه است و عجیب آنکه به زبان لری و دزفولی شباهت بسیاری دارد (صفا، ۱۳۵۱: ۲/ مقدمه).

تقریباً بین تمام اقوام ایرانی آداب و رسومی حکم‌فرماست که بر اساس سنت آن منطقه بدان پایبند هستند. درواقع، انسان در بستر کار متولد می‌شود؛ گاه شادمان است و گاه غمبار؛ گاه سور دارد و گاه سوگ؛ گاه در عروسی است و گاه در عزا و از این رهگذر عزیزترین یادگاری که برای نسل بعد از خود بر جای می‌گذارد، فرهنگ است (فرجی، ۱۳۷۶: ۱۰۵۸). بدین سو آداب و رسوم و شعر و ترانه‌های اصیل در میان فرهنگ مردم روستایی سیستان ریشه دارد و نقل محافلشان اشعار و دوبیتی‌های ساده، اصیل و بی‌بدیلی است که با تجربهٔ زندگی و رخدادهای پیرامون آنان درهم تنیده شده است. مهم‌ترین این آداب آیین سوگ است؛ رسمی که به قدمت وجود انسان در میان هر قوم و قبیله‌ای ریشه دارد و با آداب و رسوم و شعر و ترانه‌های خاص این منطقه عجین شده است. این مقاله به ارده‌خوانی بومی‌سرودهٔ مربوط به آیین سوگ در میان مردم سیستان می‌پردازد:

۶ – ۲. آیین سوگ و بومی‌سروده‌های آن

آیین سوگواری در جای جای ایران‌زمین، با آداب و رسوم خاص و بی‌نظیری انجام می‌گیرد. گویا مرگ غم‌انگیزترین ترانه و سمفونی زندگی است و مردم نیز ناگزیرند آن را با گوش جان بشنوند. لذا، آیین بزرگداشت مرگ به‌عنوان «بازتاب پنهان‌ترین خواست‌ها و باورهای بشری به‌خوبی از حفظ پیوند باورهای گوناگون هر قوم در طول تاریخ خبر می‌دهند و بدین‌سان در شمار مهم‌ترین نمودهای هویت اجتماعی هستند» (فاضلی و پوربختیار، ۱۳۹۵: ۱۲۲). همچنان که از مرگ چاره نیست، از مرثیه‌ها نیز چاره نیست. لذا، در سیستان نیز آیین سوگ و مرثیه‌خوانی جزو جدایی‌ناپذیر زندگی مردم این منطقه است و همواره با شکوه خاصی برگزار می‌شود:

۶ – ۲ – ۱. معرفی و کاربرد ارده(a;rda)خوانی یا رباعی

رباعی که به آن رَوایی یا رُووایی هم گفته می‌شود، یکی از بومی‌سروده‌های فرهنگ سیستان است که معمولاً در مراسم عزاداری خوانده می‌شود. به این آوازه‌خوانی و

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

سوگواری کردن که معمولاً با آهنگی بسیار سوزناک و حُزن‌انگیز خوانده می‌شود، «اردَه کردن» یا «اردَه‌خوانی» نیز می‌گویند (رئیس‌الذاکرین، ۱۳۷۰: ۷۹).

> رووایی سیستانی یا رباعی زابلی روایت غم غربت و اندوه فراق است؛ روایت سوگ مرگ و ماتم جدایی؛ روایت تسلای خاطر بازمانده‌ای که عزیزی را از کف داده است. نوعی نجوای دل غمزده و بیان اندوهی عظیم در قالب مرثیه و سوگواره است که معمولاً نزدیکان متوفی در مجالس ترحیم یا در سر مزار در سوگ عزیزان و وابستگان خود با آوازی حزین اجرا می‌کنند و البته، دیگران نیز در این روایی با منسوبین همراهی و هم‌نوایی دارند (الهامی، ۱۳۹۵: ۷۱ م).
>
> «گریه داره دلِ مِه گریه کُنُو یک چَشِ سیر»
>
> (رئیس‌الذاکرین، ۱۳۸۷: ۱۳)

ـ برگردان: دلم می‌خواهد یک چشم سیر گریه کنم.

در رباعی‌ها که در رثای عزیزان می‌خوانند، آن‌چنان سوزی نهفته است که شنیدنش اشک را بر چشمان می‌نشاند.

> هیچ آهنگی سوزناک‌تر و اصیل‌تر از اردەخوانی یا رباعی‌خوانی در فرهنگ سیستان وجود ندارد. هرگاه جنبهٔ درماتیک و متأثرکنندهٔ اردەخوانی را نادیده انگاریم، تشابه کاملی بین هم‌نوایی زنان سیستان و تاجیکستان احساس می‌کنیم که بدون تردید به هم‌بستگی ریشه‌ای زبان دری و قدمت تاریخی اردەخوانی در فرهنگ منطقهٔ سیستان پی می‌بریم (رئیس‌الذاکرین، ۱۳۷۰: ۷۹).

در پایان اجرای هر مصراع رباعی در اردەخوانی که با صدای کشیده و بلند اجرا می‌شود، فریاد سوزناکی توأم با گریه از گلو بر می‌خیزد که هر سنگ‌دلی را متأثر می‌سازد. این فریاد و ضجه را در سیستان، کور (kowr) می‌گویند (همان‌جا).

۶ – ۲ – ۲. ریشه و نام‌گذاری رباعی و اردەخوانی

اصطلاح رباعی در سیستان به رَوایی یا رووایی نیز موسوم است. در خصوص وجه تسمیهٔ رباعی یا رووایی در آثار مکتوبی که دربارهٔ فرهنگ سیستان نوشته شده است مطلبی یافت نشد؛ اما به‌نظر می‌رسد رووایی از رو + وایی به معنای روبه‌رو شدن و رودررو سخن‌گفتن است؛ چون در مجالس عزاداری بانوان مسن مجلس روبه‌روی هم

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

می‌نشینند و متن رباعی را با همدیگر زمزمه می‌کنند و بـا هـم‌نـوایی ابیـات را رو در رو می‌خوانند و یا اینکه وجه تسمیهٔ ابدال‌یافته از قالب شعری رباعی در شعر فارسی اسـت که به رباعی هم موسوم است؛ اگرچه با اصطلاح رباعی به‌عنـوان قالـب متعـارف شـعر فارسی فرق می‌کند؛ اما بیشتر این اشعار بر وزن متعارف آن در زبـان فارسـی اسـت، بـا این‌حال بی‌تردید واژهٔ رباعی در میان سیستانی‌ها یادآور سوگ و عزاداری است. فرضـیهٔ دیگر اینکه ممکن است از ریشهٔ رَوایی باشد، به معنای روا بودن و شایسته بودن اسـت؛ چون بیانگر اشعاری است که در خور غم جدایی و اندوه دوری سروده شده اسـت؛ امـا در مورد وجه تسمیهٔ ارده کردن یا ارده‌خوانی با جست‌وجو در فرهنگ گویشی سیسـتان ارده به معنی گریه و مویه برای مرده است و ارده‌خوانی، سوگ‌سروده یا اشـعاری اسـت که با آواز حزین خوانده می‌شود و در ضمن خواندن، هم خواننده و هم شنوندگان می‌-گریند. ارده کردن، یعنی گریه کردن، مویه کردن و رباعی کـردن (شـهنازی، ۱۳۹۲: ۷۷). رئیس‌الذاکرین (۱۳۷۰: ۷۹) هم در کتاب *کندو* به این نکته اشـاره مـی‌کنـد: «چـون ایـن آوازخوانی با آهنگی بسیار حزن‌انگیز بیـان مـی‌شـود، بـدان ارده کـردن یـا ارده‌خـوانی می‌گویند» (همان‌جا).

۶ – ۲ – ۳. تاریخچه

سوگ‌سروده‌های سیستان مثل دیگر ترانه‌های عامیانه گوینده، سراینده و زمان مشخصی برای پیدایش ندارد. کوهی کرمانی (۱۳۱۷: مقدمهٔ مرحوم ملک‌الشعرای بهار) دربارهٔ اشعار عامیانه می‌گوید: «سرایندگان این اشعار، این نوابغ بی‌نام و نشان، احساسات خود را در ترانه‌هایی که فقط برای دل خود و به یاد دلدار خود می‌سروده‌اند، درنهایت، سادگی و روشنی بیان کرده‌اند»، بی‌آنکه مشخص شود زمان سرایش آن‌ها کی بوده است؛ زیرا هیچ‌چیز به اندازهٔ ترانه‌های عامیانه محل و تاریخش مجهول نیست و بیشتر به اشتباه می‌روند که ایجاد این ترانه‌ها را به محل یا زمان مشخصی نسبت می‌دهند (هدایت، ۱۳۳۴: ۳۵۱). درواقع، غم‌سروده‌ها نیز به قدمت وجود بشر و تجربهٔ اندوهبار مرگ و جدایی، در روح و جان مردم سیستان رشد و نمو یافته است. به‌نظر می‌رسد آغازگر تولد مرثیه، مرگ و اندوه فراق عزیزان بوده است. بومی‌سروده‌های محلی در بین

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

هر قوم و قبیله‌ای «زادهٔ ذهن خلاق و تسکین‌دهندهٔ آلام و رنج‌های ناشی از کار و تلاش و زندگی فردی و جمعی است» (ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی، ۱۳۸۸: ۱۴۷). گاه در مراسم شادی و گاه در مراسم غم و اندوه و در کار و فعالیت روزانه از کشاورزی، دام‌پروری، ماهیگیری و ... به فراخور حال نغمه‌هایی را زمزمه می‌کردند که با ریتم و آهنگ به‌تدریج فراگیر شده و سینه به سینه به دیگر نسل‌ها بدون هیچ تاریخ دقیق و مشخصی منتقل شده است.

۶ – ۲ – ۴. مجریان

بی‌تردید زنان سیستان نقشی محوری در خواندن رباعی‌ها دارند؛ زیرا تنها زنان قادرند با مویه و گریستن آلام درونی را التیام بخشند و با تحریک احساسات حتی مردان را که بیشتر در سوگواری نقش انفعالی دارند، به گریه و ماتم وادارند. «زنی که در آهنگ و کلمه موفق است، ابتدا می‌سراید و بغض دلسوختگان را می‌ترکاند و آنان را با خود در ترجیع‌بندی که توأمان می‌خوانند، همراه می‌کند» (باقری، ۱۳۹۰: ۸۸). اردەخوانی در مجالس عزاداری زنانه انجام می‌گیرد. معمولاً بانوان مسن مجلس روبه‌روی هم می‌نشینند و با درنظر گرفتن جنسیت و سن و سال متوفی متن رباعی را انتخاب می‌کند و با همدیگر زمزمه می‌کنند و با هم‌نوایی پایان ابیات را در هجایی کشیده با ناله و ضجه ادا می‌کنند.

> این نوع رباعی در خصوص فرد مرحوم و متوفی جوان بسیار سوزناک‌تر اجرا می‌شود. اشعار سوزناک رباعی زابلی و رووایی سیستانی در اصل بیان درد و دل بازماندگان با متوفی است و گاه نیز رووایی با اطرافیان نزدیک باعث تسلای خاطر مصیبت‌زدگان می‌گردد (الهامی، ۱۳۹۵: ۷۱ م).

۶ – ۲ – ۴ – ۱. اجرای نمایشی حضور زنان در سوگ

در روزهای عزاداری، بانوان چنان نمایشی غم‌انگیز و سوزناک اجرا می‌کنند که حاضران در مجلس را متأثر و اشک از دیدگانشان جاری می‌سازند. نحوهٔ اجرای این نمایش غم‌انگیز این‌گونه است که هنگامی‌که زنان میهمان به دیدار صاحبان عزا می‌روند، بدون

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

سلام و احوال‌پرسی به صورت گروهی، بر سر و صورت زنان رو در روی صاحبان عزا می‌ایستند و واژهٔ «حسین حسین» را پیوسته تکرار می‌کنند و بعد از دقایقی با گریه و شیوَن رباعی‌هایی مناسب حال متوفی می‌خوانند، صاحبان عزا نیز با آن‌ها همراهی می‌کنند. گاه در این بین صورت خود را با ناخن و انگشتان دست خویش می‌خراشند. بعد از چند دقیقه ایستادن و رباعی خواندن و گریستن، دست بر صورت صاحب عزا می‌کشند و اشک‌هایشان را پاک و آن‌ها را به صبر دعوت می‌کنند. بعد از آن، مداحِ مجلس شروع به روضه‌خوانی در سوگ امام حسین(ع) و روز عاشورا می‌کند و همهٔ حضار سوگواری می‌کنند. گاه در همین حین زنان بزرگ مجلس، دوباره رباعی‌هایی مناسب حال مجلس انتخاب می‌کنند و با حرکات دست، تغییر لحن، کشش صدا و اشک و آه احساسات و ضربه زدن بر سر و صورت و با هم‌صدایی در ترجیع‌بندی که توأمان می‌خوانند، اهل مجلس را تهییج می‌کنند. گاه این رباعی‌خوانی‌ها به اندازه‌ای طولانی می‌شود که مداح مجال پیدا نمی‌کند که روضه‌خوانی کند و انگار رباعی‌خوانان، مجلس را به‌دست می‌گیرند و اجازه نمی‌دهند که مداح کارش را انجام دهد. در پایان، با ذکر فاتحه و پذیرایی، مهمانان به نزد صاحبان عزا برای احوال‌پرسی می‌روند و با واژهٔ مصطلح «راضی باشید» با آنان اظهار هم‌دردی می‌کنند و صاحب عزا با پاسخ: «راضی هستیم به رضای خدا»، اندکی تسلی می‌یابند (رایان: شهربانو پودینه، چاری و مودی).

۶ – ۲ – ۵. شیوهٔ اجرا

«ارده یا رباعی به شکل تک‌خوانی و هم‌خوانی اجرا می‌شود؛ بدین‌گونه که ابتدا یکی از زنان مصراعی یک رباعی را با آهنگی سوزناک شروع به خواندن می‌کند و دیگران که در آن جمع حاضرند، کلمات انتهای مصراع را در هجایی کشیده با هم‌نوایی وی با فریاد سوزناکی توأم با گریه و ضجه اجرا می‌کنند« (الهامی، ۱۳۹۵: ۷۱م)؛ با لحنی که سیستانی‌ها بدان «کور(kowr)» گویند. «این رباعی‌ها به واقع، نوعی پرسش و جواب است که در حال گریستن می‌خوانند؛ یکی می‌خواند و دیگری با همان مضمون پاسخش را می‌دهد» (همان‌جا). گاه «کلمات در زیر و بم صدای بغض‌آلود آنچنان به رشتهٔ اندوهبار سرشته می‌شوند که نقش کلیدی خود را در شعر گم می‌کنند» (چنگایی

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]
[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

و حنیف، ۱۳۷۴: ۱۱۳) و آنچه می‌ماند، آوایی حزن‌انگیز است. برای همین بغض همه را می‌ترکاند و اشک از دیدگان همه حتی کسانی که غریبه هستند و معنای واژگان را نمی‌فهمند، جاری می‌سازد.

۶ – ۲ – ۶. زمان و مکان خواندن اشعار

رباعی و ارده‌خوانی در مراسم مختلف سوگواری در سیستان به نام مراسم پرسه‌داری آغاز می‌شود. پُرسه (porse): بن مضارع است از پرسیدن. پرس و جو کردن (از حال سوگوار) و دل‌جویی کردن. نامی که سیستانی‌ها برای مراسم عزاداری استفاده می‌کنند، «پرسه‌داری» است؛ «همان واژه‌ای که زرتشتیان ایران و همچنین، مسلمانان کرمان امروزی آن را «پرسه» می‌گویند و نظیر آن را در میان لرها به نام «پرس» رایج است» (فاضلی و غفارپور، ۱۳۹۵: ۱۳۸). چنانکه عزاداری‌های بروجردی‌ها به «پرس‌وپو» (pors o pu) نیز معروف است (باقری، ۱۳۹۰: ۸۱). وقتی یکی از عزیزان سیستانی از دنیا می‌رود، در چند مرحله به ترتیب مواردی که می‌آید، مراسم پرسه‌داری گرفته می‌شود.

۶ – ۲ – ۶ – ۱. مراسم سه روز اول

مرحلهٔ اول عزاداری در سیستان سه روز اول است که معمولاً تا عصر روز سوم، ادامه دارد. صبح روز اولی که مرده را دفن می‌کنند، اعضای خانوادهٔ متوفی قبل از طلوع آفتاب به سر مزار می‌روند و فاتحه می‌خوانند. این عمل در میان سیستانی‌ها به «پرسهٔ قبر» معروف است و دلیل آن، این است که معتقدند متوفی شب سختی را گذرانده است (راوی: مریم پودینه). مراسم عزاداری معمولاً از صبح تا قبل اذان ظهر و عصر تا نزدیک غروب آفتاب روز اول و دوم انجام می‌شود. معمولاً خویشان نزدیک در این سه روز در خانهٔ متوفی بیتوته می‌کنند و در انجام امور مربوط به پرسه‌داری و هدایت مراسم مدد می‌رسانند. در تمام این مدت مراسم رباعی‌خوانی و ارده‌خوانی به وسیلهٔ زنان در بین مهمانان انجام می‌پذیرد. در صبح روز سوم معمولاً وقتی که همهٔ مهمانان آمدند، مداح قبل از حرکت به سمت مزار سورهٔ الرحمن را قرائت می‌کند و بعد به خواندن اشعاری

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

در سوگ امام حسین(ع) می‌پردازد. مهمانان و صاحب‌عزا با ضربهٔ دست به صورت، جملهٔ «واویلا حسینم، واویلاحسین» را تکرار می‌کنند و از خانه خارج می‌شوند و به سمت مزار حرکت می‌کنند. در مزار ابتدا خانم‌ها حلقه‌وار گرد قبر با خواندن رباعی و ضربه به سر و صورت، به سوگواری و مویه می‌پردازند. سپس آقایان عزاداری می‌کنند. در پایان بعد از درخواست مغفرت برای متوفی، مهمانان مرد در صحن مزار، دایرهٔ بزرگی تشکیل می‌دهند و مردان صاحب‌عزا داخل دایره قرار می‌گیرد و از تک تک مهمانان بابت شرکت در مراسم عزاداری سپاس‌گزاری می‌کنند (راویان: جهانی، ایران کمالی و دادخدا میرشکار).

۶ – ۲ – ۶ – ۲. مراسم «سَرسَفتَه (Sarseafta) (سر سه‌هفته)»

مرحلهٔ دوم مراسم عزاداری روز بیست و یکم متوفی است که در میان سیستانی‌ها به «سَرسَفتَه» معروف است (تمام راویان). در این روز بزرگداشت متوفی بیشتر با حضور خانم‌های آشنا و غریبه است که به دیدار صاحبان عزا می‌روند و طی مراسمی با اجرای مراسم ارده‌خوانی به شیوهٔ روز سوم ابتدا در خانه و سپس به مزار متوفی راهی می‌شوند و عزاداری می‌کنند.

۶ – ۲ – ۶ – ۳. مراسم چهلم و سال‌گشت

مرحلهٔ سوم عزاداری روز اربعین متوفی که در میان سیستانی‌ها به «چهلم» معروف است؛ اجرای مراسم رباعی‌خوانی بین زنان صاحب عزا و میهمانان همچنان در این روز اجرا می‌شود. مرحلهٔ آخر هم مراسم سال‌گشت متوفی است که معمولاً در روزهای آخر سال گرفته می‌شود؛ حتی اگر از درگذشت عزیز تنها دو ماه یا کمتر و بیشتر گذشته باشد، گاه چهلم و سال‌گشت را به‌دلیل مجال اندکی که تا سال نو مانده یکجا برگزار می‌کنند و دلیل آن این است که به اصطلاح فامیل را از عزا در بیاورند تا هرکس مراسم شادی و عروسی دارد، برگزار کند.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

۶ – ۲ – ۷. مقایسهٔ آرده‌خوانی با گونه‌های دیگر در مناطق مختلف ایران

به‌دلیل اینکه مرگ تجربهٔ مشترک تمامی انسان‌هاست و غم جدایی و فقدان عزیزان حس مشترک بین آن‌هاست، در میان اقوام ایرانی تقریباً آیین و مراسمی یکسانی دیده می‌شود. مشابه مراسم رباعی‌خوانی یا آرده‌خوانی سیستان، «موتَک» (Motak) در بلوچستان است. مویه‌های بلوچی و سروده‌های ترحیم است که زنان به شکل گروهی بدون همراهی ساز در مراسم سوگ اجرا می‌کنند (افتخارزاده، ۱۳۸۸: ۲۸). در خرم‌آباد واژهٔ «چمر» (amarč) معادل کلمهٔ عزاست و به آواهایی که در عزا سر داده می‌شود «سرمویه» (sarmoye) می‌گویند که زنان اجرا می‌کنند؛ اما بختیاری‌های لرستان از واژه «دُنگدال» (dongdâl) برای آواهای عزایشان استفاده می‌کنند و لک‌زبان‌ها به آواهای عزا «هورَه (hura)» می‌گویند (باقری، ۱۳۹۰: ۸۱ – ۸۳). همچنین، زنان کهگیلویه در مراسم خاک‌سپاری سروده‌هایی موسوم به «سرسیوش» می‌خوانند (نعمت‌طاووسی، ۱۳۸۶: ۱۹۰). سوگ‌سروده‌ها در ادبیات فولکلوریک آذری به «آغیواوخشاما» و در مازندران به «نِواجِش» و «سوت‌خوانی» و در دیگر مناطق به «براروی، یونه و مویه و... مشهور است (ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی، ۱۳۸۸: ۱۶۳). در منطقهٔ سرکویر دامغان نیز آیین عزا با اشعاری به نام «اُنگاره» خوانده می‌شود؛ اشعاری موزون که زنان در رثای مردگان خویش به صورت دسته‌جمعی و با لحن سوزناک می‌خوانند (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۶). با هر نام و عنوانی در جای جای ایران پهناور این قسم سروده‌ها آوای حزین مرگ و جدایی است که از اعماق وجود انسان‌های دل‌سوخته در سوگ عزیزانشان بر آمده است. فصل مشترک همهٔ این سوگ‌سروده‌ها، موسیقی غمناک، محتوا و مضمون یکسان، قالب شعری همسان و مجریانی است که تقریباً در تمامی این سروده‌ها زنان هستند، زنانی که با آوایی بسیار غم‌انگیز خود در رسای متوفی به ماتم و عزا می‌پردازند؛ به‌گونه‌ای که بغض همه را می‌ترکاند و اشک از دیدگان جاری می‌سازد. این نکتهٔ مشترک، نقش محوری ترانه و ترنم را در اساسی‌ترین مسائل زندگی اقوام کهن ایرانی نشان می‌دهد.

سیستانی‌ها به‌دلیل وابستگی‌های درون‌قبیله‌ای و احساسات سرشار و پررنگ خود هرگاه عزیزی را از دست می‌دادند، چنان در غم و اندوه فرو می‌رفتند که با خوانش این

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

نوع شعر که با گفتن و گریستن همراه است، به تخلیهٔ درونی درد و رنج فراق عزیزان خود می‌پرداختند و با این ترتیب سوگواری می‌کردند (الهامی، ۱۳۹۵: ۷۲ م). نظیر این گفتن و گریستن با رسم «گاگریو (گفتن و گریستن)» لرهای بختیاری، نیز شباهت دارد (فاضلی و پوربختیار، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

گفتنی است که منطقهٔ دامغان اشعار عامیانه‌ای به نام «رَوایی یا رُوایی» هم‌نام با رووایی سیستانی‌ها وجود دارد که اتفاقاً در حین مراسم سرور خوانده می‌شود (مؤمنی و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۴۷).

۶ – ۳ – ۷ – ۱. متن چند رباعی

۱) مِه گریه کُنُو که سنگ بر سوز آیَه — اَمتُو[2] بروُ که شب مرا روز آیَه
اَمتُو بروُ ز بخت وَرگشتهٔ خود — تا خم بشود کمر مِه وُ قوز آیَه

۲)پدر از کربلا از ما جدا شد — خرابه منزل و مأوای ما شد
اگر دست پدر می‌بود به دستم — چرا من در خرابه می‌نشستم
(راوی: غلامیان و مودی)

۳)ای کوه بلند را کمر می‌خواهد — فرزند عزیز را پدر می‌خواهد
اَرچند که اُشنَه رَه خدمت شایسته کُنُو[3] — بوی مبارک پدر می‌خواهد
(راوی: چاری)

۴)از برگ گلِ لاله ببُروُ چادَر — ور سرخا کُنو اَمیشه[4] بوی مادر
صد خاله و صد عمه وَ جای مادر — هیچکَه نرسَه وَ خاک پای مادر
(الهامی، ۱۳۹۵: ۲۸۹)

۴)از برگ گلِ لاله ببُروُ چادَر — ور سرخا کُنو اَمیشه[4] بوی مادر
صد خاله و صد عمه وَ جای مادر — هیچکَه نرسَه وَ خاک پای مادر

۵)اِمرو دل مِه اَوای[5] مادر کردَه — مَرغ دل مِه هزار و یک پر کردَه
اَر کس که مرا به پیش مادر ببَره — دانو که ثواب حج اکبر کردَه
(همان، ۲۹۰)

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]
[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

۶)گـر مـی‌رَوُو، شـما مـرا یـاد کُنِـه تـابوت مـرا جـای بلنـدی بِبـرِه
تـابوت مـرا ز چـوب شمشـاد کُنِـه شـاید بخـورد بـوی وطـن بـر بـدنم
(همان، ۲۹۴)

۷)برادرجـو، برادرجـو، بـرادر نفـس وَر سـینهٔ خـواهر رسـیده
مـرا اَمـراه[۶] ببـر ای جـون مـادر بـه همـراه کفـن میـایی یـا نـه
(همان، ۲۹۷)

۸)زلفـای تـو را بـاد پریشـو کـردُه دردِ دل خـا رَوو بـه کوهـا گویـو
سـوز تـو مـرا بـی سـر و سـامو کـردَه شـاید کـه تـرا چـرخ پشـیمو کـردَه
(رئیس‌الذاکرین، ۱۳۷۰: ۷۹)

۹) تیمـار کسـی کـه بـی‌بـرادر باشـه در خونَـه بَـرِ خونَـه پُـر از زر باشَـه
وَر روی زمـین چـو مـرغ بـی‌پـر باشَـه زر را چـه کُنَـه کـه بـی‌بـرادر باشَـه
(الهامی، ۱۳۹۵: ۲۹۱)

۱۰)مِـه مـادر اُو جـوان گـل و گلرنگُـو ای مـادر کـم بخـت چـرا مـی‌گـردی
چـادر وَ سـرو، گـرد جهـان مـی‌گـردو .....
(راوی: ایران کمالی)

۱۱)وقت تو نبو که نالهٔ زار کنی وقت تو بودک شونه و آیینهٔ تو
وقـت تـو نبـو کـه تکیـه ور خـاک کنـی .....
(راوی: مهین میرشکار)

۱۲)در دالُو نشینُو تا ببینُو روی ترَه مرگ نااَنگُونِ تو اَعیالِ سرگردُون تُو
سر دفتـر نویسُـو مـرگ نـا اَنگُـونِ[۷] تـرَه .....
(راوی: مودی)

۱۳)اگـر بابِـه خَـه مـی‌داشـتو مِـه
چـه پـروا برکسـو مـی‌داشـتو مِـه
(راوی: بزی)

۱۴)راز دل وَر کِه کُنُو هردم که دل تنگی کُنَه
قطره اُو از که طلَبُو موقع که کُوم[۸] خشکی کُنَه
(راوی: زینب کمالی)

۱۵)ای چرخ از دستت ننـالو، چـون ننـالو؟
هرگونه ظلمی می‌شـود از تـو بـه انسـان
(محمودی، ۱۳۹۰، ۲۴۴)

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

۶ – ۲ – ۸. ویژگی‌های رباعی‌ها

۶ – ۲ – ۸ – ۱. وزن و موسیقی

رباعی‌های سیستان معمولاً در مراسم ترحیم و ختم عزیزان با موسیقی و آهنگی غمناک اجرا می‌شود. نغمه و ریتم حاصل از این بومی‌سروده‌ها بدون استفاده از هیچ‌گونه ساز و ابزارآلات موسیقی است و تنها طنین صدای مرثیه‌خوان است که با هجاهای کشیده و آوای حزین به خلق موسیقی کلام می‌پردازد.

> آهنگین بودن این نوع شعر با ایجاد کشش‌های صوتی خاص در گویش، سبب شده است تا احیاناً خلأ وزنی برخی از این ابیات که در خوانش معمولی از نظر وزن ایجاد سکته می‌کند و وزن را از شکل طبیعی خود خارج می‌گرداند، تنظیم شود (الهامی، ۱۳۹۵: ۷۳ م).

با این حال بیشتر رباعی‌های سیستانی، دارای وزن عروضی و معمولاً جدا از پرش‌های وزنی، بر وزن متعارف رباعی «لاحول و لاقوه الابالله» است؛ «اما اشعار منتخب برای ارده‌خوانی همیشه از نوع وزن رباعی نیست؛ بلکه دوبیتی‌های مناسب را که از غم غربت و هجران و بی‌وفایی و آرزوی وصال و دیدار یار گفت‌وگو می‌کند، نیز به‌کار می‌برند» (رئیس‌الذاکرین، ۱۳۷۰: ۷۹). این دوبیتی‌ها بر وزن دوبیتی‌های متعارف زبان فارسی(مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن) است. رباعی شمارهٔ ۲ و۷ از اشعار فوق به بحر هزج مسدس محذوف است و رباعی‌های شمارهٔ ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ دارای اوزانی غیرمتعارف هستند. بقیهٔ رباعی‌ها بر وزن متعارف رباعی «لاحول و لاقوه الا بالله» که در برخی موارد پرش‌های وزنی نیز دارد.

۶ – ۲ – ۸ – ۲. قافیه و ردیف

بسیاری از رباعی‌های سیستان در بهره‌گیری از قافیه «همانند دوبیتی‌های دیگر اقوام ایرانی هم‌سو با تعاریف شناخته‌شدهٔ سخن‌سنجان و منتقدان دیروز و امروز نیستند؛ اما هم‌چنان سیطرهٔ خویش را با تمامی این کاستی‌ها بر موسیقی شعر حفظ کرده‌اند» (الهامی، ۱۳۹۴: ۲۴۲)؛ اما وجود ردیف گویی از ملازمات رباعی‌هاست. بیشتر ابیات دارای ردیف هستند.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

تکرار زیبای واژگان، ترکیبات و حتی جمله‌ها به صورت ردیف، موسیقی کناری این دوبیتی‌ها را تقویت می‌کند و به غنای موسیقی آن به خصوص در اجرا مدد می‌رساند. گویندگان این اشعار تنها به وجود همین ردیف‌ها اهمیت داده‌اند؛ به همین جهت الزام به رعایت ردیف بیش از قافیه است (همان‌جا).

وجود ردیف در بیشتر ترانه‌های عامیانه اقوام ایرانی نشان می‌دهد که «بی‌تردید ردیف از ابداعات فارسی‌زبانان بوده است و شعرای عرب و ترک به تبعیت از شعرای عجم آن را در آثار خود به کار برده‌اند» (ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). در بیشتر نمونه‌های ذکرشده از رباعی‌ها، ردیف حضوری پررنگ دارد. فقط در رباعی شمارهٔ ۱ و۵ و ۸ قافیه و ردیف درست به‌کار رفته است. در نمونه‌های دیگر برخی از اشعار (مانند رباعی شمارهٔ ۱۱ و ۱۳) ردیف دارند؛ اما قافیه ندارند. در برخی همانند قالب مثنوی هر بیت قافیه و ردیفی جداگانه دارند (رباعی شمارهٔ ۲و ۱۴) و در برخی تنها یک بیت در قالب مثنوی است و بیت دیگر بدون قافیه است (رباعی شمارهٔ ۶ و ۷ و ۱۰ و ۱۴) و در بعضی دیگر قافیه تکرار شده است (رباعی شمارهٔ ۳ و ۴ و ۹).

این اندازه عدم انسجام بیانگر این است که قافیه در این اشعار چندان اهمیت ندارد و به درستی رعایت نشده است.

آزاد بودن قوافی یکی از مختصات دوبیتی‌های محلی همهٔ اقوام ایرانی است که بنا به عادت قدیم میزان قافیه را آهنگ کلمه قرار داده‌اند، نه حرف؛ چنان‌که «یار و مال»، «سرانداز و گردن‌انداز»، «ورمن انداخت و توی غم انداخت» هم‌قافیه شده‌اند» (بهداروند، ۱۳۹۰: ۲۵).

چنانکه در رباعی شمارهٔ ۱۱ «زار و خاک» بر اساس آهنگ کلمه با هم در جایگاه قافیه قرار گرفته‌اند. «برخی از ویژگی‌های ردیف و قافیه تقریباً در ترانه‌های اقوام ایرانی مشترک و یکسان است» (یار شاطر، ۱۳۹۳ :۳۰۲).

۶ – ۲ – ۸ – ۳. قالب

قالب رایج رباعی‌های سیستان مانند رباعی و دوبیتی‌های متعارف زبان فارسی معمولاً دارای دو بیت یا چهار مصراع است که همان‌طور که ذکر شد، گاه در وزن تفاوت دارند. برخی از رباعی‌ها نیز به صورت سه مصراع ثبت شده است (مانند رباعی شمارهٔ

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

۱۰ و ۱۱ و ۱۲) که شبیه «قالب سه خشتی‌های خراسان است» (ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی، ۱۳۸۸: ۱۵۲) و از این نظر به ترانه‌ها و تصنیف‌های جنوب خراسان بسیار شبیه است. گاهی نیز به صورت تک‌بیتی بیان شده است (مانند رباعی شمارهٔ ۱۳ و ۱۴ و ۱۵)؛ درست مانند تک‌بیتی‌های رایج در ترانه‌های کردی که موسوم یه «دیهو» است (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۳: ۹۶).

۶ – ۲ – ۸ – ۴. زبان

رباعی‌های سیستانی از نظر زبانی متأثر از گویش مردم این منطقه، دارای واژگان محلی است. اگرچه گاه به فارسی معیار نزدیک شده‌است؛ به طوری که از غلظت گویش در این نوع اشعار کاسته شده و زبان از کهنگی واژه‌های محلی به سمت و سوی سادگی گرایش پیدا کرده است و متأثر از فارسی معیار در بستر زمان به‌تدریج نرم و صیقلی شده است. دلیل بارز آن، زندگی شهرنشینی، کوچ روستائیان و تحول زندگی اجتماعی است. در نمونه‌های مذکور از اشعار فوق چنانکه ملاحظه می‌شود روانی و نزدیکی به زبان فارسی معیار به قدری است که نیاز به آوانگاری ندارد و تقریباً زبان اشعار قابل درک است. به جز برخی واژگان و افعال که مختص منطقهٔ سیستان است. به‌طور مثال کلمات اصیل گویشی ابیات فوق، «نااَنگُو(nâa:ngow): ناگهان؛ کوم(kowm): کام دهان؛ اَوا (a:vâ): هوا؛ اَمتو(a:mtow): همچنان؛ اَمیشه (a:miša): همیشه؛ پریشو (parišow) پریشان؛ اَمراه (amrâ): همراه و...» هستند. بیشتر فعل‌ها مثل «کُنُو/ کنم؛ می‌داشتُو/ می‌داشتم، نویسُو/ نویسم، طلبو/ طلبم» و ضمایر «مِه/ من، خا/ خود، اُشنَه (ošna)/ ایشان» نیز منطبق با لهجه و گویش سیستانی است؛ اما به‌طور کلی زبان اشعار ساده و روان و قابل فهم برای همگان است.

۶ – ۲ – ۸ – ۵. محتوا

محتوای اصلی رباعی‌ها بیشتر دربارهٔ اندوه مرگ، هجران و جدایی، غم غربت، بی‌وفایی و مذمت دنیا، آرزوی وصال و دیدار یار است؛ اما انتخاب مضمون رباعی‌ها در اندوه مرگ با توجه به نوع مرگ (مرگ ناگهانی یا مرگ طبیعی) سن و سال، جنسیت متوفی،

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

وضعیت تأهل، موقعیت اجتماعی و خانوادگی تعیین می‌شود. گاه مضمون برخی از رباعی‌ها زبان حال متوفی است و از زبان او مطرح می‌شود (مثل رباعی شمارۀ ۶) و گاه از زبان مادر یا پدرِ جوان از دست داده، حکایت می‌کند (مانند رباعی شمارۀ ۱۰ و ۱۱ و ۱۲). گاه مضمون آَن اشاره به از دست دادن پدر یا مادر دارد (مانند رباعی شمارۀ ۲–۵). گاه نیز از زبان خواهر بخت‌برگشته‌ای است که داغ برادر دیده است (مانند رباعی شمارۀ ۷ و۹) و گاه مضمون برخی از رباعی‌ها کلی است و غریو آن از جدایی و مرگ و بی‌سر و سامانی است (مثل رباعی شمارۀ ۱ و ۸). به همین دلیل چون محتوا و مضمون متناسب با فضا و به اقتضای حال شکل می‌گیرد، همواره تأثیر روانی عمیقی بر سوگواران می‌گذارد.

۶ – ۲ – ۸ – ۶. جنبه‌های ادبی

خیال یا تصویر که ناقدان اروپایی آن را ایماژ می‌خوانند، حاصل نوعی تجربه است که بیشتر با زمینه‌ای عاطفی همراه است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۳: ۱۷). این ویژگی در رباعی‌های سیستانی به‌دلیل اینکه عاطفی و تأثربرانگیز هستند، به سادگی و به دور از هرگونه تکلف و تصنعی جلوه‌گر شده است.

اغراق موجود در رباعی اولِ «مِه گریه کُنُو که سنگ بر سوز آیَه»، بسیار زیبا و خیال-انگیز است. تشبیهات ادبی در ابیات «مَرغ دل مِه هزار و یک پر کردَه» و «تیمار کسی که بی‌برادر باشه/ وَر روی زمین چو مرغ بی‌پر باشَه»، در عین حسی و عینی بودن، زیبا و ظریف هستند. در بیت «از برگ گلِ لاله ببُروُ چادَر / ور سرخا کُنو اَمیشه[9] بوی مادر»، تشبیه پنهان بوی مادر به گل لاله زیبا، زیرکانه و بدیع است. وجود کنایه در ابیات «تکیه ور خاک کنی» / «دل مه هوای مادر کرده» و تشخیص در «ای چرخ از دستت ننالو، چون ننالو؟» و «شاید که ترا چرخ پشیمو کردَه»، نمونه‌هایی اندکی است از تصاویر خیال که گویندگان گمنام درنهایت، سادگی و روشنی، از تجربۀ زندگی و رخدادهای پیرامون خود برگزیده‌اند و با زمینۀ عاطفی و احساسی عمیقی آن را در سوگ‌سروده‌های خود بیان داشته‌اند.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

۳. نتیجه

با معرفی اردەخوانی و رووایی خوانی، بیان وجه‌تسمیه و تاریخچهٔ آن، مجربان، شیوه و ذکر زمان و مکان اجرای آن دریافتیم که این غم‌سروده‌ها یکی از روش‌ها و آیین‌های اصیل و کهن عزاداری است که مردم سیستان بسیار پایبند به اجرای آن با گویش بومی خود هستند و این مسئله در فرهنگ آنان جایگاه والایی دارد. مقایسهٔ آن با گونه‌های دیگر در مناطق مختلف ایران نیز نشان می‌دهد که سوگ‌سروده‌ها در آیین‌های بومی و محلی هرگوشه از کشورمان وجود دارد و بیانگر اصالت فرهنگی و غنای تمدن کهن ایران‌زمین است و این نکته نقش محوری ترانه و ترنم را در اساسی‌ترین مسائل زندگی اقوام کهن ایرانی نشان می‌دهد. بررسی روی ویژگی‌های آوایی نشان می‌دهد که سیستانی‌ها در زلال جاری بومی‌سرودهٔ رباعی، رنج‌ها و آلام درونی خود را در سوگ و فقدان عزیزان التیام می‌بخشیدند. اگرچه این رباعی‌ها از نظر زبانی در بستر زمان به تدریج نرم و صیقلی شده و از فارسی معیار تأثیر گرفته است؛ اما محتوا و مضمون بومی‌سرودها در نواها و ریتم‌های حزین، زندگی ملموس و عینی مردم این منطقه را به تصویر می‌کشد و به لحاظ ادبی بیانگر زمینهٔ عاطفی و احساسی عمیق آنان در ارتباط با رخدادهای غم‌انگیزی است که تجربه کرده‌اند. استفاده از آهنگ و ترانه برای ابراز همدردی با لحظه لحظهٔ غم‌ها در بین مردم سیستان گویای ذوق سلیم و طبع لطیف این قوم در حاشیهٔ کویر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. دربارهٔ ارزش آهنگ‌های عامیانه نک: مقالهٔ «صفات مشخصهٔ ترانه‌های عامیانه» هدایت، ۱۳۳۴: ۳۴۸.
۲. اَمتو(a:mtow): همچنان.
۳. اُشنَه رَه (ošna ra): ایشان را؛ هرچند به فرزندانم خدمت شایسته کنم؛ اما باز هم پدر می‌خواهند.
۴. اَمیشه (a:miša): همیشه
۵. اَوا (a:vâ): هوا: میل
۶. amrâ: همراه
۷. نااَنگُو(nâa:ngow): ناگهانی
۸. کوم(kowm): کام دهان
۹. اَمیشه (a:miša): همیشه

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

منابع

الف) منابع مکتوب

ـ احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۸۳). *ترانه و ترانه‌سرایی در ایران*. تهران: سروش.

ـ افتخارزاده، افسانه (۱۳۸۸). *قصه‌های بلوچی*. با همکاری مریم نورزایی و غلامرضا ایجاد. تهران: چشمه.

ـ افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۹). *سیستان‌نامه*. تهران: مرغ آمین.

ـ الهامی، فاطمه (۱۳۹۵). *سیتک‌های سیستانی*. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.

ـ الهامی، فاطمه (۱۳۹۴). «ویژگی‌های ساختاری و ادبی دوبیتی‌های سیستان». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۳. ش ۷. صص ۲۳۵ – ۲۶۱.

ـ باقری، رحمان (۱۳۹۰). «آیین‌های مرگ و مویه در لرستان». *فرهنگ و مردم ایران*. ش ۲۶. صص ۷۹ – ۹۱.

ـ بهداروند، اکبر (۱۳۹۰). *عاشقانه‌ها* (دوبیتی‌های امروز). تهران: نگاه.

ـ بهرامی، تقی (۱۳۱۷). *فرهنگ روستایی*. (دائرةالمعارف فلاحتی). تهران: چاپ خودکار.

ـ بارتوک، بلا (۱۳۷۷). *چند مقاله دربارهٔ موسیقی محلی*. ترجمهٔ سیاوش بیضایی. تهران: رودکی.

ـ چنگایی، عزت‌الله و حنیف، محمد (۱۳۷۴). *فرهنگ قوم لر*. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.

ـ ذوالفقاری، حسن و لیلا احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی بومی‌سروده‌های ایران». *ادب‌پژوهی*. ش ۷ و ۸. صص ۱۴۳ – ۱۷۰.

ـ رئیس‌الذاکرین، غلامعلی (۱۳۷۰). *کندو* (فرهنگ مردم سیستان). مشهد: سعید.

_____ (۱۳۸۷). *کاکلک*. مشهد: سنبله.

ـ شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۳). *صورخیال در شعر فارسی*. چ ۱۷. تهران: آگاه.

– شهنازی، جواد (۱۳۹۲). *فرهنگ گویشی سیستان «خنج»*. ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ـ صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۱). *تاریخ ادبیات در ایران*. ج ۲. تهران: ابن‌سینا.

ـ طباطبایی، سیدحسین و محمد رضایی (۱۳۹۴). «آیین سوگ و سرور در منطقهٔ سرکویر دامغان». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۳. ش ۵. صص ۱ – ۲۷.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

ـ فاضلی، محمدتقی و غفار پوربختیار (۱۳۹۵). «بررسی آداب و رسوم سوگواری در *شاهنامهٔ* فردوسی و مقایسهٔ آن با آداب مذکور در بین اقوام لر بختیاری و لر کوچک». *علوم اجتماعی*. س ۱۰. ش ۳ (پیاپی ۳۴). صص ۱۲۱ – ۱۴۴.
–فرجی، عبدالرضا (۱۳۷۶). *جغرافیای کامل ایران*. تهران: نشر ایران.
ـ کوهی کرمانی، حسین (۱۳۱۷). *هفتصد ترانه از ترانه‌های روستایی* (با مقدمهٔ ملک‌الشعرای بهار و ده آهنگ از علینقی وزیری). تهران: بی‌نا.
ـ محمودی، ابراهیم (۱۳۹۰). *دل‌مویه‌ها*. تهران: امینان.
ـ مؤمنی، الهام و محمد رضایی (۱۳۹۷). «تحلیل محتوایی و ساختاری روایی‌ها: رباعی‌های محلی دامغانی». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۶. ش ۲۴. صص ۱۴۵ – ۱۷۲.
ـ نعمت‌طاووسی، مریم (۱۳۸۶). «بازجست اجزاء آیین‌های سیاوشی». *مطالعات ایرانی*. س ۶. ش ۱۲. صص ۱۸۱ – ۱۹۵.
ـ هدایت، صادق (۱۳۳۴). *مجموعه نوشته‌های پراکنده*. مقدمهٔ حسن قائمیان. تهران: امیرکبیر.
ـ یارشاطر، احسان (۱۳۹۳). *تاریخ ادبیات فارسی* (ادبیات شفاهی زبان‌های ایران). ج ۱۸. تهران: سخن.

ب) راویان شفاهی

ـ پودینه، حمیده، ۵۴ ساله.
ـ پودینه، شهربانو، ۶۰ ساله.
ـ پودینه، مریم، ۶۲ساله.
ـ جهانی، کبری، ۷۰ ساله.
ـ چاری، بگم ۷۵ ساله.
ـ غلامیان، مرضیه ۵۰ ساله.
ـ کمالی، ایران، ۴۸ ساله.
ـ کمالی، زینب، ۵۷ ساله.
ـ مودی، طوبی، ۷۰ ساله.
ـ میرشکار، دادخدا، ۸۹ ساله.
ـ میرشکار، غلامحسین، ۵۰ ساله.
ـ میرشکار، مهین، ۴۰ ساله.
ـ وحیدی، احمد، ۵۹ ساله.
ـ پری بزی، ۹۰ ساله روستای خراشادی زابل.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]
[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

Culture and Folk Literature_____Year. 7, No. 29, Nov & Dec 2019-2020

Reciting Ardah-Mourning Quatrain and its Usage in Mourning Ceremonies of Sistan

Fatemeh Elhami[1] * Raziyeh Mirshekar [2]

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Chabahar University of Sailing and Marine Sciences.
2. M.A Student of Persian Language and Literature, Chabahar University of Sailing and Marine Sciences.

Received: 27/04/2019 Accepted: 09/12/2019

Abstract

The local and indigenous ceremonies in Sistan region shows the rich and old culture of this region. Following the rural culture, people of this region have used poetry and songs sufficiently for maintaining and reviving the mourning ceremonies. Ardah-mourning or reading quatrain is a deeply sad and mournful song in the mourning ceremonies of Sistan. This study employs library study as well as some interviews with the informants to investigate Ardah-mourning and its uses in the mourning ceremonies of Sistan. The history, the performants, the performance, and the time and place show that people of Sistan use their own dialect for this cultural practice. Compared with other types, this practice takes the lyrics and the music as basic aspects of the ancient ethnic groups within Iran. moreover, the study analyzes the Sistani quatrains, its tone, rhythm, form, language, content, and literary features. It is general claimed that the songs and lyrics are devices to soothe the sadness among the people in Sistan.

Keywords: Local songs, Sistan, Quatrain, Folk culture, Reciting Ardah.

***Corresponding Author's E-mail:** elhami@cmu.ac.ir

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.29.2.6] [Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-12-23]